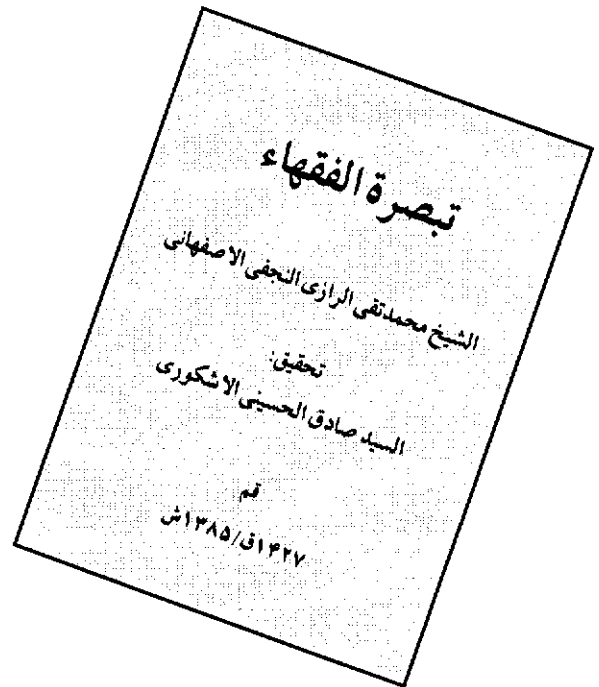


یک نکته از هزاران

معرفی کتاب

تبصرة الفقهاء و مؤلف آن

مهدی باقری سیانی



تبصرة الفقهاء، الشيخ محمدتقی الرازی النجفی الاصفهانی،
تحقیق: السيد صادق الحسيني الاشكوري، نشر مجمع الذخائر
الاسلاميه، قم، سنة الطبع ۱۴۲۷ق / ۱۳۸۵ش، ج۳.

هدایة المسترشدين- که به کوشش محقق محترم حجة الاسلام
سیدصادق حسینی اشکوری و به نام نشر مجمع الذخائر
الاسلامیة و از سوی کتابخانه عمومی آیه الله نجفی در اصفهان،
منتشر گردید. درباره اثر اول و مؤلف آن در مجله ارزشمند آینه
پژوهش به مفصل سخن گفته شد و جایگاه مؤلف و بستر
آفرینش شاهکار ادبی وی و دوران پیدایش چنین اثر ماندگار
مشخص گردید.^۱
... اما اثر دوم:

نگارنده از چند سال قبل (۱۳۸۳ ش) مزده نشر چنین اثری
را- آن هم با تحقیقی شایسته و درخور- داده بود و در مقدمه دیگر
اثر ارجمند صاحب هدایة و معرفی آثار وی یعنی رساله صلاحاتیه
چنین نگاشته بود:

«... یکی از پرفروغ ترین آن چهره های ماندگار و و رادمردان
نامدار، مؤلف این کتاب علامه محقق مدقق، اصولی بزرگ و
فقیه سترگ حضرت آیه الله العظمی شیخ محمدتقی رازی نجفی
اصفهانی- قدس سره- می باشد، فرزانه ای که با نظرات دقیق
خوش در مباحث اصولی به عنوان یکی از صاحب نظران
شاخص در این عرصه مطرح و کتاب گرانسنگ وی یعنی هدایة
المسترشدین مورد رجوع و توجه علما بوده و می باشد. وی در

دو اثر از صاحب هدایة المسترشدين و نواده او صاحب وقایة
الأذهان در سال ۱۳۸۵ ش منتشر گردید. اگرچه این دو اثر در
دو حوزه مختلف از فقه و ادبیات عرب است، ولی می توان هر
دو را در نوع خود از شاهکارهای آن فن به حساب آورد، یکی
کتاب ارزشمند السیف الصنیع لرقاب منکری علم البیدیع از
فقیه، اصولی و ادیب نامور، علامه ذوفنون آیه الله شیخ
محمدرضا نجفی اصفهانی که با تحقیق و تعلیقات عالمانه جناب
حجة الاسلام مجیدهادی زاده و اهتمام مکتبه ادبیه مختصه
(کتابخانه تخصصی ادبیات) نشر گردید و دیگری کتاب
ارزشمند تبصرة الفقهاء از فقیه و اصولی نامدار آیه الله العظمی
شیخ محمدتقی رازی نجفی اصفهانی- سرسلسله نجفی های
مسجدشاهی اصفهان و معروف به صاحب حاشیه معالم یا

۱. آینه پژوهش، آذر و دی ۱۳۸۵، ش ۱۰۱.

فقه نیز از مرتبه بالا و جایگاه والائی برخوردار می باشد و از آثار فقهی او کتاب گرانسنگ تبصرة الفقهاء می باشد و امید می رود به زودی در دسترس اهل علم قرار گیرد.^۲

... و اینک آنچه که در چهار مقام، تقدیم خواننده فهمیم این مقال می گردد، حاصل نگاه سریع و گذرای نگارنده بر سه مجلد شکیلی و زیبایی تبصرة الفقهاء و سخنی پیرامون مؤلف نامور آن می باشد تا چه مقبول افتد و چه در نظر آید.

۱. سخنی پیرامون مؤلف و دوران آفرینش این اثر

این اثر گرانسنگ ثمره و میوه قرن سیزدهم هجری است که یکی از درخشان ترین دوران حوزه علمی کهن و پربرکت اصفهان می باشد، روزگاری که شهر اصفهان مجمع عالمان، دانشمندان و فرهیختگان بزرگی بوده که هر یک چونان ستاره ای فروزان در آسمان علم و فقهات شیعه نورافشانی می نموده اند که با ذکر نام برخی از آنان این مقال را زینت می بخشیم:

بازگو از نجد و از یاران نجد

تادر و دیوار را آری به وجد^۳

شخصیت ها و فرزانه گانی چون حضرات آیات عظام:

سید محمدباقر موسوی شفتی (متوفای ۱۲۶۰ق) معروف به حجة الاسلام صاحب مطالع الأنوار، حاج محمدابراهیم کلباسی (متوفای ۱۲۶۱ق) صاحب اشارات الاصول، آقا محمدعلی هزار جریبی (متوفای ۱۲۴۵ق) صاحب مخزن الأسرار الفقهیه، حاج محمدجعفر آبا ده ای (متوفای ۱۲۸۰ق) صاحب نقود المسائل، میرسیدحسن مدرس (متوفای ۱۲۷۳ق) شارح مختصر النافع، سیدمحمد شهشانی (متوفای ۱۲۸۷ق) صاحب انوار الریاض و ملاحسین علی تویسرکانی (متوفای ۱۲۸۶ق) صاحب کشف الأسرار، که پس از استاد خویش صاحب هدایة المسترشدین جانشین وی در کرسی تدریس بود.^۴

در چنین دوران درخشانی که حوزه علمی اصفهان مزین به وجود چنین فرزانه گانی بوده است، علامه رازی با توجه به قرائن در دهه پنجم عمر پربرکت خود قرار دارد و توشه ای ارزشمند از حضور در محضر عالمان عصر خویش چون محمدباقر اصفهانی معروف به وحید بهبهانی (متوفای ۱۲۰۵ق)^۵، سید مهدی بحر العلوم (متوفای ۱۲۱۲ق)، سید محسن أعرجی بغدادی (متوفای ۱۲۲۷ق)، سیدعلی طباطبائی (صاحب ریاض المسائل و متوفای ۱۲۳۱ق) و شیخ جعفر کاشف الغطاء (متوفای ۱۲۸۸ق) فراهم آورده و خود فقهی صاحب نظر گشته و دارای اجازه روایت و اجتهاد از استاد

اخیر خود گردیده و در حدود سال ۱۲۲۵ ق وارد شهر اصفهان شده و شروع به تدریس نموده و محضر درس وی با شکوه ترین درس آن زمان در تمامی حوزه های علمیه شیعه بوده و علامه سید محمدباقر موسوی صاحب روایات الجنات از استاد خویش علامه رازی به «استاد الكل فی الكل» تعبیر نموده است و با تصریح به حضور سیصد نفر از فضلا و بزرگان در مجلس درس وی می نویسد: «فأصبح أفضل أهل عصره فی الفقه و الأصول، بل أبصر أهل وقته فی المعقول و المنقول و صار كأنه المعجم فی الأفكار الدقیقة و المنظم من الأنظار العمیقة، أستاذاً لكل فی الكل، و فی أصول الفقه علی الخصوص و جنات الفضل الدائمة الأكل فی مراتب المعقول و المنصوص، فجعل أفئدة طلاب العصر تصرف الیه و أخیة أصحاب الفضل تضرب لده، بحيث لم یر فی الدنیا مدرس أخص بأهله من مدرسه الشریف و لا مجلس أفید لنهله من مجلس المنیف»^۶.

البته ذکر این نکته ضروری است که علامه رازی در ابتدای ورود به اصفهان مدتی را در گمنامی می گذراند و با حل مشکلی فقهی مقام والای ایشان بر دیگران روشن می شود و او در فقهات شهرت می یابد. خواننده محترم جهت اطلاع از این قضیه می تواند به رساله صلاتیه رجوع کند.^۷

سرانجام این فقیه و اصولی بزرگ پس از سال ها تلاش علمی و ریاضت و تدریس و تألیف در ظهر روز جمعه نیمه ماه شوال ۱۲۴۸ ق چشم از جهان فرو بست و پس از اقامه نماز یکی از دو پیشوای بزرگ روحانی وقت اصفهان یعنی سید محمدباقر شفتی یا حاج محمدابراهیم کلباسی در بقعه ای که بعدها به نام خود وی (تکیه شیخ محمدتقی^۸) معروف شد، دفن گردید^۹.

۲. ر. ک: رساله صلاتیه، ص ۵۵-۵۶.

۳. ر. ک: دیوان کامل شیخ بهائی (با مقدمه سعید نفیسی)، ص ۱۱۹.

۴. برگرفته از مقدمه نویسنده بر رساله الدرّة الحمراء فی کیفیة زیارة العاشورا از علامه فقیه میرزا محمد شهدادی نائینی؛ این رساله به زودی در مجموعه میراث حدیث شیعه (دفتر شانزدهم) چاپ و منتشر می گردد.

۵. مؤلف بنا بر نظر برخی از محققین در نیمه دوم عمر خویش در درس علامه وحید بهبهانی شرکت می نمود. ر. ک: قبیله عالمان دین، ص ۱۵.

۶. روایات الجنات، ج ۲، ص ۱۲۰.

۷. رساله صلاتیه، ص ۳۱-۳۲.

۸. برای اطلاع از مشاهیر مدفون در این تکیه ر. ک: رحیم قاسمی، گلشن اهل سلوک.

۹. شرح حال مفصل وی را در تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج ۱، ص ۱۲۳-۱۸۳ و قبیله عالمان دین، ص ۱۱-۳۹ و رساله صلاتیه، ص ۲۴-۵۴ و گلشن اهل سلوک، ص ۲۳-۶۷ بنگرید.

۲. سخنی پیرامون آثار مؤلف

آثار برجای مانده از مؤلف در حوزه فقه و اصول می باشد، البته در صورت استخراج نظریات و دیدگاه های مؤلف در باب علم رجال که پراکنده در آثار وی آمده است و ما چند نمونه آن را در قسمت ویژگی های کتاب آورده ایم، می توان حوزه آثار وی را به علم رجال نیز گسترش داد:

الف) هدایة المسترشدين فی شرح اصول معالم الدين این کتاب که مهم ترین اثر اصولی مؤلف است و مؤلف به آن شناخته می شود، از ارکان کتب اصول شیعه می باشد. که برخی از مباحث فرائد شیخ اعظم انصاری- که از کتب اصلی و دروس رسمی سطح عالی حوزه های علمیه شیعه می باشد- در این کتاب به نقد و بررسی درآمده است. این کتاب جزء اولین کتاب هایی است که در ایران، مکرر چاپ سنگی شده است. در سال ۱۲۶۹ ق برای اولین بار به چاپ رسید و آخرین چاپ آن به سال ۱۴۲۰-۱۴۲۱ ق در سه مجلد و با مقدمه نواده مؤلف و اهتمام مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم است.^{۱۰}

ب) تبصرة الفقهاء

کتاب حاضر است که درباره آن سخن خواهیم گفت.

پ) رساله صلواتیه

مؤلف در این کتاب فقهی کم حجم ولی پر محتوا که دربردارنده نظریات مؤلف است، پیرامون نماز به بحثی نیمه استدلالی پرداخته و اقوال و آرای دیگران را نیز در آن ذکر کرده است. این اثر با تحقیق این جانب و مقدمه نواده مؤلف آیه الله شیخ هادی نجفی و همت کتابخانه عمومی آیه الله نجفی در اصفهان به سال ۱۳۸۳ ش منتشر گردید. پیرامون این اثر و ویژگی های آن در مقدمه کتاب مفصل سخن گفته ایم، مراجعه شود^{۱۱}.

ت) تقریرات علامه سیدمهدی بحر العلوم

کتاب شناس شیعه علامه آقابزرگ طهرانی نوشته است تقریرات شرح طهارت کتاب وافی نوشته علامه مولا حسن فیض کاشانی است و مؤلف به هنگام حضور در درس سید بحر العلوم آن را به نگارش درآورده است. علامه طهرانی در سه مجلد از کتاب ارزشمند الذریعة به معرفی این اثر پرداخته است^{۱۲} و در اثر دیگر خویش به نام الکرام البررة می فرماید: «وله شرح طهارة الوافی للفیض من تقریر استاذہ السید مهدی»^{۱۳}.

ت) رساله فی عدم تظطیر التثنی

نسخه خطی این رساله کم حجم که ردی بر فقیه معاصر مؤلف مرحوم حاج محمدابراهیم کلباسی است در یکی از کتابخانه های نجف اشرف موجود می باشد و تصویر آن در اختیار

نواده مؤلف استاد شیخ هادی نجفی است و به زودی با تحقیق محقق کتاب السیف الصنیع حجة الاسلام مجید هادی زاده چاپ و منتشر خواهد شد. علامه طهرانی در الذریعة و الکرام البررة از این رساله یاد می کند.^{۱۴}

ج) رساله ای در بحث دوران امر بین اقل و اکثر

مؤلف این رساله را در رد استاد خویش، علامه سیدمحسن اعرجی بغدادی نگاشته و علامه ذوفنون شیخ محمدرضا نجفی، آن را که به خط مؤلف است، دیده و در این باره می فرماید: «له ردود علی العلامة السید محسن الکاظمی فی مسألة الأقل و الأكثر رأیتها بخطه الشریف»^{۱۵}.

چ) رساله ای در فساد شرط ضمن العقد

محدث نوری در مستدرک الوسائل^{۱۶} و علامه آقا بزرگ طهرانی در الذریعة و الکرام البررة از این اثر یاد می کنند.^{۱۷}

ح) أجوبة المسائل

علامه رازی به نوشته صاحب روضات الجنات به بسیاری از سؤالات فقهی پاسخ داده است که آن را نیز از آثار علمی ایشان می تواند دانست. علامه خوانساری در روضات الجنات^{۱۸} و علماء الأسرة^{۱۹} از این اثر نام می برد.

۳. سخنی پیرامون تبصرة الفقهاء

۱) بستر آفرینش این اثر

اگرچه علامه رازی به کتاب هدایة المسترشدين شناخته می شود، چنان که گذشت آثار فقهی بسیار ارزشمندی دارد که مهم ترین و مفصل ترین آنها کتاب حاضر و مختصرترین آن رساله عدم تظطیر تثنی است.

دوران خلق این اثر بشکوه فقهی دوران بالندگی مؤلف فرزانه آن بوده است، دورانی که آوازه تدریس شیخ در همه جا پیچیده و هر که یک مرتبه در آن درس شرکت می کرد، برای همیشه شیفته

۱۰. برای آشنایی بیشتر با این اثر ارزشمند به مقاله محقق گرامی، حضرت آیه الله حسینی جلالی در مجله آینه پژوهش، شماره ۶۳، ص ۷۴ رجوع شود.

۱۱. ر. ک: رساله صلواتیه، ص ۱۸-۲۳ و ۵۸-۷۱.

۱۲. الذریعة، ج ۴، ص ۲۷۴ و ج ۱۲، ص ۳۶۶ و ج ۱۴، ص ۱۶۵.

۱۳. الکرام البررة، ج ۱، ص ۲۷.

۱۴. الذریعة، ج ۱۵، ص ۲۳۸؛ الکرام البررة، ج ۱، ص ۲۱۷.

۱۵. أعلاط الروضات، ص ۱۰.

۱۶. خاتمة المستدرک، ج ۲، ص ۱۲۵.

۱۷. الذریعة، ص ۱۴، ص ۱۸۳؛ الکرام البررة، ج ۱، ص ۲۱۷.

۱۸. روضات الجنات، ج ۲، ص ۱۲.

۱۹. علماء الأسرة، ص ۱۸۰.

آن می‌شد، به تعبیر شاعر:

چشم مسافر چو بر جمال تو افتد
عزم رحیلش بدل شود به اقامت^{۲۰}

نکته فوق با استفاده از دو بیان علامه میرزا محمدباقر خوانساری- که خود از شاگردان آخرین دوره درس مؤلف است- به دست می‌آید، یکی بیان وی در علماء الاسرة آن جا که می‌فرماید: «من مدتی را در درس شیخ شرکت کردم»^{۲۱} و دیگری در روضات الجنات که می‌فرماید: «... و له أيضاً کتاب فی الفقه الاستدلالی کبیر جداً کان یشتغل به فی آیام تشریفنا بخدمته المقدسة...»^{۲۲}

مهم ترین اثر فقهی مؤلف که مد نظر صاحب روضات نیز می‌باشد، همین کتاب است.

۲) جایگاه فقهی این اثر

در این قسمت تنها به ذکر کلام دو تن از دانشمندان بزرگ شیعه اکتفا می‌کنیم:

- علامه آقابزرگ طهرانی در الکرام البررة به نقل از صاحب تکمله أمل الآمل این کتاب را در نهایت مرتبه تحقیق می‌داند و می‌فرماید: «کتاب الطهارة، قال [السیدحسن الصدر الکاظمینی] فی التکملة: رأیته و هو فی غایة التحقیق یبلغ قدر طهارة المعالم».^{۲۳}

- علامه ذوقنون شیخ محمدرضا نجفی در حاشیه خود بر روضات الجنات درباره فقه استدلالی مؤلف و همسنگ بودن این اثر در فقه با هدایة المسترشدین مؤلف در اصول می‌فرماید: «خرج منه کتاب الطهارة و هو فی الفقه کالهدایة فی الاصول».^{۲۴}

۳) برخی از ویژگی های کتاب

الف) علم رجال و درایة الحدیث از علوم می‌است که دانستن آن برای فقیه، در مقام استنباط لازم و ضروری است^{۲۵} و اگرچه مؤلف اثری مستقل در این مجال ندارد، در آثار فقهی و اصولی خود به مناسبت متعرض آن شده است که نگارنده نمونه‌ای از آن را در مقدمه خویش بر رساله صلاتیه ذکر نموده است^{۲۶}، مؤلف در این اثر نیز چنین مباحثی را مطرح نموده است و جا داشت محقق مقدمه‌ای بر کتاب می‌زد و ضمن بیان شیوه تحقیق خویش، ویژگی های این اثر ماندگار را مانند نظریات رجالی خاص مؤلف را بیان می‌نمود؛ ما در این قسمت به ذکر چند نمونه اکتفا می‌کنیم: - مؤلف روایات عثمان بن عیسی را نه تنها از موثقات می‌داند، بلکه احتمال پذیرش آنها را به عنوان صحاح مطرح نموده و می‌فرماید: «فغایة الأمر أن تكون الروایة موثقة بل یحتمل عدّه من

الصحاح إن قبل بثبوت توبته كما یومی إلیه بعض الشواهد. و کیف كان فلاریب فی مقبولیة أخباره و ربّما یعدّ خبره موثقاً كالصحیح».^{۲۷} گفتنی است اگرچه عثمان بن عیسی از اصحاب اجماع می‌باشد، مرحوم نجاشی وی را شیخ واقفه می‌داند^{۲۸}. شیخ طوسی در رجال وی را واقفی می‌شمارد^{۲۹} و در رجال کشی توبه و رجوع وی را از وقف نقل می‌کند^{۳۰}.

- «أبی بصیر» کینه‌ای مشترک برای تعدادی از روایان احادیث است که در بین آنان برخی نیز مجهول می‌باشند^{۳۱} و به همین جهت برخی از فقهای معاصر، روایاتی را که راوی آن ابی بصیر باشد ضعیف می‌شمارند و به آن عمل نمی‌نمایند، ولی مؤلف علامه ابی بصیر به صورت مطلق را حمل بر ابوبصیر مرادی یا اسدی- که هر دو نیز ثقه می‌باشند- می‌کند و می‌فرماید: «و أمّا من جهة أبی بصیر فیما تقرر فی الرجال من اشتراك أبی بصیر بین رجلین ثقتین لاریب فی شأنهما سیّما إذا کان راویاً عن الصادق علیه السلام، فالمناقشة فیها من جهة السند فی غایة الوهن»^{۳۲}.

- محمدبن سنان^{۳۳}.

- محمدبن خلاد برقی^{۳۴}.

- اسماعیل بن جابر^{۳۵}.

این سه شخصیت نیز از نظر وثاقت محل اختلاف می‌باشند و مؤلف درباره هر سه قائل به وثاقت می‌شود.^{۳۶}

ب) دسته بندی زیبایی کتاب و نتیجه گری پایانی، همراه با نقد تک تک اقوال موجود در مسئله و بیان دلایل قول مقبول مؤلف:

برای نمونه: «تبصرة فی تقدیر الکر بالمساحة» که مؤلف شش قول را بر می‌شمارد و پس از آن دو قول دیگر را هم ذکر می‌کند و پس از نقل اقوال و بررسی آن- در پانزده صفحه- می‌فرماید: «فظهر من جمیع ما ذکرنا أن الأظهر فی المقام هو مختار القمیین. و ممّا قدرنا ظهر وجه القول الثالث و ضعفه. و وجه القول الرابع حمل الأخبار علی... و أمّا القول الخامس فلم نقف له علی مستند... و أمّا القول السادس فوجه الجمع بین الأخبار...»^{۳۷}.

پ) مطرح نمودن برخی از مباحث اخلاقی و اجتماعی:

«تبصرة فی الصبر علی المرض» که مؤلف در نه صفحه

۲۰. کلیات سعدی، ص ۳۸۱ (انتشارات کتابفروشی اسلامیة).

۲۱. همان.

۲۲. روضات الجنات، ج ۲، ص ۱۲۴.

۲۳. الکرام البررة، ص ۲.

۲۴. أعلاط الروضات، ص ۱۰.

۲۵. نگر: منیة المرید، ص ۳۷۷؛ معالم الاصول، ص ۳۸۳ (کتابخانه آیه الله مرعشی، طبع چهارم)؛ مدخل علم فقه، ص ۵۹.

۲۶. رساله صلاتیه، ص ۵۹-۶۲.

۲۷. تبصرة الفقهاء، ج ۱، ص ۱۷۶.

داشتن نسخه های متعدد خطی است، ولی از آفاتی که در چنین مواردی دامنگیر برخی از محققین می شود ذکر نسخه بدل هایی است که اشتباه کتابتی بودن آن کاملاً آشکار است و هیچ کمکی به خواننده در جهت درک مقصود مؤلف نمی کند و ذکر آن تنها به حجیم شدن اثر می انجامد و اینک نمونه هایی از این دست:

- ۱/۲- الحامله به جای «الحنايلة» . ۴۷
- ۲/۲- صیباً به جای «طیباً» . ۴۸
- ۲/۳- قابل به جای «قائل» . ۴۹
- ۲/۴- حکایه به جای «کفایه» . ۵۰
- ۲/۵- توفیقه به جای «توقیته» . ۵۱
- ۲/۶- مطلقاً التقیة به جای «مطلق التقیة» . ۵۲، ۵۳

۲۸. رجال نجاشی، ص ۳۰۰، شماره ۸۱۷.
۲۹. رجال شیخ طوسی (تحقیق جواد قیومی)، ص ۳۴۰، شماره ۵۳۲۲ و ص ۳۶۰، شماره ۵۰۶۷.
۳۰. اختصار معرفة الرجال (تحقیق جواد قیومی)، ص ۴۳۹، شماره ۳۵۹؛ قاموس الرجال، ج ۷، ص ۱۶۲، شماره ۴۸۳۵.
۳۱. رجالی بزرگ مرحوم محقق تستری در این رابطه، رساله مفصلی بیش از ۱۱۰ صفحه دارد، جهت اطلاع بیشتر، به آن مراجعه شود؛ قاموس الرجال، ج ۱۲، ص ۳۷۷-۴۳۹.
۳۲. تبصرة الفقهاء، ج ۱، ص ۱۷۶.
۳۳. همان، ج ۱، ص ۱۸۱. علامه میرزا ابوالمعالی کلباسی رساله مفصلی درباره محمد بن سنان دارد (در بیش از ۱۱۰ صفحه) ر. ک: الرسائل الرجالیة، ج ۳، ص ۵۸۹-۶۲۹.
۳۴. تبصرة الفقهاء، ج ۱، ص ۱۸۰-۱۸۱.
۳۵. همان، ج ۱، ص ۱۸۰-۱۸۱.
۳۶. همان.
۳۷. همان، ج ۱، ص ۱۸۲-۱۸۳.
۳۸. همان، ج ۲، ص ۳۷۸-۳۷۰.
۳۹. همان، ص ۳۷۹-۳۸۶.
۴۰. همان، ص ۳۲۹-۳۹۴.
۴۱. همان، ص ۴۱۸-۴۱۹.
۴۲. همان، ص ۵۳۲.
۴۳. همان، ج ۱، ص ۵۶.
۴۴. همان، ص ۱۷۱ و ج ۲، ص ۵۰۳، رقم ۹.
۴۵. همان، ج ۲، ص ۱۱۳ و ۲۵۱.
۴۶. همان، ص ۴۰۶.
۴۷. همان، ص ۲۳۰، شماره ۳.
۴۸. همان، ص ۲۸۵، شماره ۳.
۴۹. همان، ص ۳۴۸، شماره ۶.
۵۰. همان، ص ۲۰۱، شماره ۱.
۵۱. همان، ص ۱۸۸، شماره ۳.
۵۲. همان، ج ۱، ص ۲۹۲، شماره ۱.
۵۳. همان، ج ۱، ص ۱۶۴، شماره ۱-۴ و ج ۳، ص ۸، شماره ۲ و ج ۳، ص ۲۲۲، شماره ۵.

بسیاری از احادیث پیرامون این موضوع را همراه با توضیحاتی ذکر می کند^{۳۸}.

«تبصرة فی عیادة المریض». مؤلف در هشت صفحه ضمن اشاره به تعدادی از روایات به طرح مباحثی چون لزوم نداشتن عیادت زنان از مریض، مستحبات و آداب عیادت از مریض و ... می پردازد^{۳۹}.

«تبصرة فی التوبة و الإنابة» که مؤلف ضمن نقل چهارده حدیث، در قسمتی از آن می فرماید: «وعد بعض الأصحاب حسن الظن بالله من الواجبات نظراً إلى بعض الأخبار المذكورة وغيرها. وهو محل تأمل و دلالة الأخبار المذكورة على الوجوب غير ظاهرة. نعم، اليأس من رحمة الله من أعظم الكبائر وهو أمر آخر»^{۴۰}.

ت) توجه به مباحث تفسیری و کلامی:

مؤلف که قائل به نجاست تمامی کفار و مشرکین می باشد، درباره اهل کتاب می فرماید: «... و کیف کان، فالقول بطهرهم [= اهل کتاب] من الوهن بمكان؛ لقيام الأدلة الظاهرة على نجاستهم، منها قوله تعالى: إنما المشركون نجس» و پس از آن با استناد به دو آیه شریفه ۳۰-۳۱ سوره توبه می فرماید: «إن ظاهر قوله تعالى... قاض بكون اليهود الذين هم أقرب من سائر أهل الكتاب إلى التوحيد مشرکین فكيف غيرهم ومع الغض عنه فلا شك في شرك غيرهم، لقول النصارى بالأقانيم الثلاثة و الممجوس بالنور و الظلمة»^{۴۱}.

۴) برخی از کاستی های کتاب

در این قسمت به صورت بسیار گذرا چند مورد را ذکر و در هر مورد به نقل یک یا دو مثال اکتفا می کنیم

الف) ارجاعات نامناسب و بی جا:

محقق محترم در برخی از ارجاعات دقت لازم نکرده و ارجاع نامناسب و بی جا داده است:

- ارجاع حدیث به کتاب اصولی مانند نهایة الأفكار . ۴۲
 - ارجاع اقوال تفسیری به کتب حدیث (باتوجه به دسترس بودن آن) مانند ارجاع به بحار الانوار به جای کنشاف زمخشری . ۴۳
 - ارجاع به متن کتاب به جای شرح کتاب مانند ارجاع به من لایحضره الفقیه به جای روضة المتقین، عبارت مؤلف چنین است: «و جزم به الفاضل المجلسی فی شرح الفقیه» که محقق در پاورقی چنین آدرس داده است «من لایحضره الفقیه ۱/۶» . ۴۴
 - ارجاع به مصادر متأخر به جای مصدر اصلی مانند ارجاع نهایة شیخ طوسی یا روض الجنان شهید ثانی به الحدائق الناضرة . ۴۵
 - ارجاع احادیث به مصادر حدیثی متأخر یا معاصر، مثل ارجاع به فقه الصادق . ۴۶
- ب) ذکر نسخه بدل های غیر ضروری:
- یکی از نقاط قوت در امر تحقیق و تصحیح متون، در اختیار

پ) غلط های چاپی :

وجود برخی از اشتباهات چاپی بیانگر نداشتن دقت لازم در نشر چنین اثر ارزشمندی می باشد، مانند :

- السبي که صحیح آن «الصبي» می باشد. ۵۴

- فطرة الضعیف که صحیح آن «فطرة الضیف» می باشد. ۵۵

- الصوغ للتیمم که صحیح آن «المصوغ للتیمم» می باشد. ۵۶

- الکرایة که صحیح آن «الکراهة» می باشد. ۵۷

ت) غفلت از تحقیق صحیح و استخراج مصادر :

محقق محترم در بسیاری موارد اقوال مذکور مؤلف را به مصادر اصلی آن- اگر چه چاپ حجری- ارجاع داده است، ولی در مواردی نیز از ارجاع مصادر غفلت نموده است، برای نمونه :

- «تبصرة في نجاسة الغسالة». ۵۸ مؤلف در این قسمت از ۲۳

کتاب نام می برد، مانند: المعتبر، مختلف الشیعة، ذخيرة الأحکام، الدلائل، المقنع، المبسوط، الخلاف، الإصباح شرائع الإسلام، مختصر النافع، كشف الرموز، منتهی المطلب، تذكرة الفقهاء، تحرير الأحکام، اللعة الدمشقية، الروضة البهیة، المقتصر، التنقیح الرائع، روض الجنان و... . دو کتاب از مجموع کتاب هایی که مؤلف نام می برد هنوز چاپ و منتشر نشده که عبارت اند از دلائل و اثر فاضل میسی است، ولی بقیه آثار منتشر شده است و محقق از تمامی کتاب های یاد شده تنها به ارجاع به تحریر الاحکام اکتفا نموده و از دیگر مصادر غفلت نموده است.

- «تبصرة في كيفية اعتصام البثر». ۵۹ مؤلف در دو صفحه از

فقیهان بزرگ و برخی از کتاب های آنان نام می برد که در مجموع بیش از پنجاه مورد می باشد و برخی از افرادی را که مؤلف تصریح به نام آنان می کند عبارتند از: شیخ طوسی، سلار دیلمی، قاضی ابن براج، ابي الصلاح حلبی، علاء الدین حلبی، ابن زهره حلبی، ابن ادریس حلبی، یحیی بن سعید حلبی، شهید اول، شهید ثانی، محقق ثانی، فخر المحققین، فاضل مقداد، ابن فهد حلبی، صاحب معالم، محقق اردبیلی، صاحب مدارک، شیخ بهائی، محقق سبزواری، علامه آقا حسین خوانساری، آقا جمال خوانساری، علامه محمد تقی مجلسی، علامه محمد باقر مجلسی و... . محقق محترم در تمام موارد فوق به ذکر یک نسخه بدل اکتفا نموده است.

- «تبصرة في تبعية السور للحيوان». ۶۰

ث) فقدان مقدمه محقق :

محقق با نوشتن مقدمه بر کتاب دورنمایی از مطالب کتاب را فراروی خواننده کتاب قرار می دهد و بدین گونه خواننده با کلیات کتاب، جایگاه و فضایی که این اثر در آن خلق شده است آشنا می شود؛ به عنوان نمونه مقدمه مفصل نواده محترم مؤلف بر اثر دیگر مؤلف به نام هدایة المسترشدین یا مقدمه محقق محترم السیف الصنیع بسیار عالی و دربردارنده جایگاه کتاب و

فضای اثر می باشد. اما خواننده کتاب حاضر تنها به مقدمه نواده محترم مؤلف کتاب و قسمتی از موسوعه «المفصل فی تراجم الأعلام» که شرح حال مؤلف است، برمی خورد که اگر چه اطلاعات ارزشمندی درباره مؤلف و کتاب به وی می دهد، ولی در معرفی این اثر و مطالب نهفته در آن و ذکر نمونه هایی از نوآوری ها و ابداعات علامه مؤلف در حوزه های مختلف فقهی، رجالی، اصولی، لغوی و... ناکام است و نگارنده با نگاهی گذرا به کتاب چند ویژگی آن را در قسمت قبلی بیان نمود.

ج) نداشتن فهرست مصادر تحقیق :

وقتی یک کتاب ارزشمند بر جای مانده از گذشتگان به چند چاپ تحقیقی می رسد ضرورت ارائه فهرست مصادر تحقیق در پایان کتاب آشکارتر می گردد و این گونه خواننده کتاب متوجه می شود محقق از کدام چاپ کتاب استفاده نموده و به آن ارجاع داده است؛ نداشتن چنین فهرستی از دیگر کاستی های تحقیق این اثر است و محقق از کتاب هایی استفاده کرده که هر کدام دارای چنین ویژگی می باشند، مانند :

ریاض المسائل، دو چاپ تحقیقی و یک چاپ سنگی؛

حبل المتین چاپ سنگی و دو چاپ تحقیقی؛

الدروس الشرعية، دو چاپ تحقیقی دفتر تبلیغات اسلامی

و مؤسسه نشر اسلامی؛

مختلف الشیعة، دو چاپ تحقیقی دفتر تبلیغات و مؤسسه

نشر اسلامی؛

مسالك الافهام، چاپ دو جلدی و چاپ ۱۱ جلدی؛

روض الجنان، چاپ یک جلدی و چاپ ۲ جلدی دفتر تبلیغات

اسلامی؛

و کتاب هایی چون مفتاح الكرامة، منتهی المطلب، تذكرة الفقهاء، ذکری الشیعة، جواهر الکلام، کفایة الاحکام و... از این نمونه اند.

ج) غفلت از بازیابی برخی مصادر :

برخی از کتاب هایی که مؤلف از آنها قولی را نقل یا به آن استناد کرده است، یا اصلاً استخراج نشده است یا در هر سه مجلد یک مرتبه آمده، مانند :

معالم الدین فی فقه آل یاسین، فقه معالم، مفاتیح الشرايع،

التنقیح الرائع، غایة المراد، إشارة السبق و... .

۵۴. همان، ج ۲، ص ۲۳۶.

۵۵. همان، ج ۳، ص ۳۱۲ و ۴۳۷.

۵۶. همان، ج ۲، ص ۲۸۲ و ۵۹۶.

۵۷. همان، ج ۱، ص ۴۳۲.

۵۸. همان، ص ۳۰۶.

۵۹. همان، ص ۱۹۰ و ۱۹۱.

۶۰. همان، ص ۲۹۶ و ۲۹۹.

و مقابله هذا السفر المبارك سماحة الأفاضل السيد علي المعلم و السيد محمود نريمانی و الشيخ عباس ملائی دامت نشاطاتهم العالیة . علی أن للسید نريمانی جهداً متواصلاً فی تخريج أقوال الفقهاء فجراه الله خير جزاء المحسنين . ۷۱

۳. برداشت محقق محترم از فاضل یا یکی از فاضلان در کلام مؤلف علامه بهاء الدین محمد اصفهانی معروف به فاضل هندی است و حال آن که فاضل بر علامه حلی و فاضلان بر وی و محقق حلی اطلاق می شود، برای نمونه ارجاع این بیان مؤلف «قد نصّ جامعة من الاصحاب منهم ... الفاضلان»^{۷۲} به کشف اللثام، ج ۲، ص ۱۳۷ یا این عبارت مؤلف «... حکاها الفاضل و ...»^{۷۳} و ارجاع به کشف اللثام، ج ۱، ص ۲۶۶.

۴. دانشمند محترم و نسخه شناس بزرگ شیعه حضرت حجة الاسلام و المسلمین سید احمد حسینی اشکوری-پدر ارجمند محقق کتاب- در المفصل فی تراجم الرجال در خصوص مؤلف و تألیفات وی می فرماید: «حجبة المظنة مع حاشية معالم الاصول»^{۷۴}. این اثر شرح قسمت حجة المظنة از هدایة المسترشدين است که به قلم زیبای فرزند مؤلف، فقیه و اصولی بزرگ علامه شیخ احمد باقر اصفهانی نگاشته شده و در سال قبل با تحقیق و مقدمه این جانب- و مقدمه نواده مؤلف- در یک مجلد به نام شرح هدایة المسترشدين از سوی کتابخانه آية الله نجفی اصفهانی به زیور طبع آراسته گردید و حضرت آقای

۶۱. همان، ص ۱۱۱.

۶۲. روض الجنان، ص ۳۲۷.

۶۳. الحدائق الناضرة، ص ۲۲۱.

۶۴. نگارنده درباره آرا و نظریات این فقیه فرزانه- سید حسن بن سید جعفر و شاگردان و آثار وی رساله ای مختصر دارد که انشاء الله به زودی منتشر خواهد شد.

۶۵. تبصرة الفقهاء، ج ۱، ص ۱۸۸.

۶۶. همان، ج ۱، ص ۱۷۳.

۶۷. همان، ج ۲، ص ۵۳۰.

۶۸. معالم الدين في فقه آل داسين در سال ۱۴۲۴ ق، با تحقیق شیخ ابراهیم بهادری و تلاش مؤسسه امام صادق (ع) منتشر گردید، هم چنین غایة المرام شیخ مفلح صیمری بحرانی در سال ۱۴۲۰ قمری با تحقیق شیخ جعفر کوثرانی عاملی در بیروت نشر گردید و همچنین مفااتيخ الشرايع فيض كاشاني با تحقیق سید مهدی رجائی و از سوی مجمع الذخائر الاسلامیة در سال ۱۴۱۰ قمری منتشر شد.

۶۹. تبصرة الفقهاء، ج ۱، ص ۱۳۰-۱۳۱؛ قابل توجه در صفحه ۱۳۰ این کتاب چنین نوشته شده است المعجم الزوولوجی ... و در صفحه بعد این چنین معجم الزوولوجی ...

۷۰. تبصرة الفقهاء، ج ۱، ص ۴۳.

۷۱. همان، ج ۱، ص ۱۳.

۷۲. همان، ج ۲، ص ۱۷۳.

۷۳. همان، ص ۱۷۰.

۷۴. همان، ص ۲۶.

ح) ارجاع به دو چاپ از یک کتاب در یک صفحه یا با فاصله چند صفحه (بدون تذکره به چاپ تحقیقی یا غیر تحقیقی بودن کتاب)، مانند پاورقی اول و سوم در ج ۲، ص ۱۵۲؛ ۱. الذکری: ۱۰۳؛ ۳. الذکری: ۲/۲۳۴.

یا پاورقی چهارم و هفتم در ج ۲، ص ۵۱۰؛ ۴. الذکری: ۱۲۰؛ ۷. الذکری: ۲/۳۴۰.

پاورقی دوم در ج ۳، ص ۴۲۵ چنین است:

۲. تذکرة الفقهاء: ۷۴/۲۱. و در صفحه بعد چنین است:

۳. تذکرة الفقهاء: ۵۷۳/۱.

خ) مراجعه نکردن به چاپ های تحقیقی و اثرات آن:

محقق موفق در تحقیق خود ضمن ارج نهادن به تلاش دیگران از آثار تحقیقی آنان بهره می برد و استفاده نکردن از چنین آثاری مساوی است با محروم ماندن محقق و خواننده کتاب است، برای نمونه: «تبصرة في ماء المطر» که مؤلف مطلبی را از یکی از فقیهان معاصر شهید ثانی با این تعبیر «و حکى في الروض عن بعض الأفاضل من معاصريه ...» نقل می کند.^{۶۱} محقق محترم این مطلب را به روض الجنان یک جلدی ارجاع می دهد و حال آن که اگر وی به روض الجنان چاپ تحقیقی انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی (سال ۱۴۲۲ ق) مراجعه می نمود، ذیل عبارت شهید ثانی با این توضیح روبه رو می شد که «هو السيد حسن بن السيد جعفر المعاصر لشيخنا الشهيد الثاني»^{۶۲}. گفتنی است برخی از آرای این فقیه بزرگ در کتاب های فقهی چون الحدائق الناضرة^{۶۳} و جواهر الكلام و ... نقل شده و بسا به نقد جدی درآمده است^{۶۴}.

د) افراط و تفریط:

دیگر کاستی تحقیق حاضر آن است که محقق محترم از ارجاع به مصادری چون معالم الدين ابن قطان حلی^{۶۵}، غایة المرام شیخ مفلح صیمری^{۶۶}، مفااتيخ الشرايع فيض كاشاني^{۶۷} و ... غفلت ورزیده و حال آن که تمامی این آثار چاپ تحقیقی شده است و در دسترس اهل علم می باشد^{۶۸}. از دیگر سوی ارجاع خواننده کتاب به آثاری که هیچ یک از ویژگی های پیش گفته را ندارد، کتاب هایی چون معجم الزوولوجی الحديث^{۶۹}، الروض المربع^{۷۰} و ...

۵) تذکر چند نکته:

۱. گوشزد چنین کاستی هایی هیچ از ارزش کاری حجة الاسلام اشکوری نمی کاهد و تلاش و همت ایشان را در تصحیح چهار نسخه خطی و در سه مجلد زیبا و شکیل به چاپ رساندن بایست ستود. با توجه به این حقیقت که ایشان مشغله های دیگری هم دارد، از جمله مسئولیت مؤسسه مجمع الذخائر الاسلامیه.

۲. قدرشناسی محقق محترم از تلاش دیگران و بیان سهم آنان در خلق و آفرینش چنین تحقیقی ستودنی است، آن جا که در پاورقی بر مقدمه نواده مؤلف می نویسد: «ساعدنی فی تصحیح



سیداحمد اشکوری در همان کتاب - تبصرة الفقهاء - و در ترجمه مؤلف آن را از تالیفات فرزند مؤلف و به همین نام ذکر می کند^{۷۵}.

۵. همو می فرماید: «کتاب الطهارة و هو غیر شرحه علی الوافی المذكور سابقاً، توجد نسخه فی مکتبه السید المرعشی العامة بقم^{۷۶}». کتاب الطهارة که نسخه آن در کتابخانه آیة الله مرعشی نجفی است، قسمتی از تبصرة الفقهاء است که نسخه آن در کتابخانه آیة الله استادی بوده^{۷۷} و سپس به کتابخانه آیة الله مرعشی منتقل شده است و نواده مؤلف به این مطلب تصریح نموده است^{۷۸}.

- همو احتمال داده که مسأله الظنون همان حجیة المظنة باشد و می فرماید: «مسأله الظنون ... و لعلها هی رسالته حجیة المظنة»^{۷۹}. این احتمال صحیح نمی باشد و به احتمال قوی مسأله الظنون قسمتی از هدایة المسترشدين باشد، همان گونه که صاحب روضات الجنات نیز آن را جزئی از هدایة می داند^{۸۰}.

- همو در این کتاب^{۸۱} و در مقدمه هدایة المسترشدين^{۸۲} «شرح أسماء الحسنی» را از آثار مؤلف می شمارد و حال آن که این اثر از سیدعلاء الدین گلستانه (متوفای ۱۱۰۰ ق) می باشد^{۸۳} و به اشتباه جزء آثار مؤلف ذکر شده است.

- همو به هنگام ذکر اساتید مؤلف در پاورقی این کتاب^{۸۴} و کتاب هدایة المسترشدين^{۸۵} می فرماید: «نقل المرحوم الحیب آبادی فی مکارم الآثار عن شخص مجهول أن الشیخ صاحب الترجمة أخذ فی العرفان و تهذیب النفس من درویش حسن المعروف بدرویش کافی النجف آبادی الاصفهانی و أنکر بعض أخذ الشیخ منه فی السیرو السلوک و الإنکار فی محلّه». ظاهراً آن شخص مجهول، نتیجه مؤلف علامه محمدباقر الفت است در رساله خاندان^{۸۶}، و درویش کافی هم فردی به نام درویش حسن بوده که نه از سلاسل معروف تصوف و مدعیان دروغین عرفان، بلکه مردی وارسته و اهل دل بوده و زندگی بی آرایش، ملکات پسندیده و گفتارهای معقولانه وی باعث آن می گردیده که غالباً افرادی که با وی ملاقات می نموده اند، به وی ارادت پیدا کنند^{۸۷}.

- این اثر با همت و تلاش نواده محترم مؤلف، آیة الله شیخ هادی نجفی و با مقدمه ای از ایشان به زیور طبع آراسته گردیده و تلاش وی در جهت احیای آثار علمی باقی مانده از خاندان صاحب هدایة شایسته تقدیر است، احیای آثاری چون هدایة المسترشدين در سه جلد، رساله صلاتیه، شرح هدایة المسترشدين، و وقایة الأذهان، السیف الصنیع و ... و شایسته است که این شیوه نیک و ارزشمند الگویی باشد برای سایر خاندان های علمی.

- نواده مؤلف از وجود قسمتی از این کتاب - تبصرة الفقهاء - که به خط یکی از شاگردان مؤلف، آیة الله شیخ زین العابدین نخعی^{۸۸} گلپایگانی (متوفای ۱۲۸۹ ق) می باشد و در یکی از کتابخانه های گلپایگان نگهداری می شود، آگاه می گردد و در

تلاشی ستودنی در جست و جوی این اثر برمی آید و خود در این مورد می فرماید: «... و مع الأسف بالرغم من كثرة تبّعی لهذه النسخة و إرسال بعض الأفاضل علی إثرها لم أجدها، و الله هو العالم بمحلّها و عاقبتها»^{۸۹}. امید آن که تلاش وی در جهت یافتن دیگر اثر ارزشمند مفقود خاندان نجفی یعنی ذخائر المجتهدین فی شرح معالم الدین فی فقه آل یس - که به خامه علامه ذوفنون آیة الله شیخ محمدرضا نجفی اصفهانی می باشد - ثمر بخشد و این اثر ارزشمند نیز به طبع درآید.

۴. سخن پایانی

حسن ختام سخن را جملاتی از علامه سیدمحمدباقر خوانساری در وصف مؤلف و ابیاتی از حکیم سنائی غزنوی قرار می دهیم. صاحب روضات الجنات می فرماید: «شیخنا المحقق المدقق النحریر، و الجامع الفقیه الخیر، خاتمة المجتهدین و رئیس الموحدین إمامنا البارع الورع التقی الأوحدی الربانی الشیخ محمدتقی ... و كان هذا الشیخ أفضل أهل عصره فی الفقه و الأصول، حاوی مراتب المعقول و المنقول»^{۹۰}. آری:

سال ها باید که تا یک سنگ اصلی ز آفتاب
لعل گردد در بدخشان یا عقیق اندر یمن
ماه ها باید که تا یک پنبه دانه ز آب و خاک
شاهدی را حلّه گردد یا شهیدی را کفن
عمرها باید که تا یک کودکی از روی طبع
عالمی گردد نکو یا شاعری شیرین سخن^{۹۱}

۷۵. همان، ص ۱۶.

۷۶. همان، ص ۲۷.

۷۷. یکصد و شصت نسخه از یک کتابخانه شخصی، ص ۲۷.

۷۸. تبصرة الفقهاء، ص ۱۲.

۷۹. همان، ص ۲۷.

۸۰. روضات الجنات، ج ۲، ص ۱۲۴.

۸۱. تبصرة الفقهاء، ج ۱، ص ۲۷.

۸۲. هدایة المسترشدين، ج ۱، ص ۴۲.

۸۳. نگر: دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۲، ص ۸۰۵.

۸۴. تبصرة الفقهاء، ج ۱، ص ۱۹.

۸۵. هدایة المسترشدين، ج ۱، ص ۲۵.

۸۶. گنج زری بود در این خاکدان (مجموعه مقالات)، ص ۷۱.

۸۷. رجال و مشاهیر اصفهان، ص ۴۲۹؛ نشان از بی نشان ها، ج ۲، ص ۱۰۶؛ گلشن اهل سلوک، ص ۴۵ و ۴۶.

۸۸. در شرح حال مؤلف در ابتدای کتاب «نخعی» به اشتباه «مخفی» نوشته شده است و احتمالاً اشتباه تایی باشد. ر.ک: تبصرة الفقهاء، ج ۱، ص ۲۴؛ دانشمندان گلپایگان، ج ۱، ص ۹۲.

۸۹. همان، ج ۱، ص ۱۲.

۹۰. علماء الأسرة، ص ۱۸۰.

۹۱. دیوان حکیم سنائی غزنوی، ص ۴۸۴ (چاپ چهارم، کتابخانه سنائی).